یادداشت

قوماندانِ خانه

فاطمی‌نژاد| جنگ در افغانستان، آوارگی، مهاجرت به جایی دور از سرزمین آبا و اجدادی، بزرگ شدن با تنش‌ها و دلهره‌های زندگی یک مهاجر، هر کدام از این‌ها هم می‌توانست بهانه‌ای باشد تا یک دختر جوان، دُور هر آنچه رنگ و بو و نسبتی با جنگ داشته باشد خط بکشد؛ ام‌البنین حسینی اما در مهم‌ترین تصمیم زندگی‌اش، از بین همه کسانی که برای دخترخطاب کردن به خانه پدری‌اش پا می‌گذاشتند، زندگی‌اش با یک رزمنده را انتخاب می‌کند. تصویری که مریم قربان‌زاده از بحران‌های پیش‌روی یک دختر مهاجر و چالش‌های زندگی با یک مجاهد مردم افغانستان در دل ماجرای زندگی پرچالش یک خانواده مهاجر است. فرهنگی که بویش را از مطبخ‌خانه یک خانواده اصیل افغان و غذاهایش می‌توان حس کرد، در لباس‌ها سامه مردان و خوش آب و رنگ زنانه‌شان به تماشا نشسته و با کلمات و اصطلاحات نمکینشان در بین خطوط کتاب، با انقلاب که انس و الفتشان با کتاب بر کسی پوشیده نیست لذت‌بخش می‌کند. مهم‌ترین نکته، روایت فرهنگ اصیل مردم افغانستان در دل ماجرای زندگی پرچالش یک خانواده مهاجر است. فرهنگی که بویش را از مطبخ‌خانه یک خانواده اصیل افغان و غذاهایش می‌توان حس کرد، در لباس‌ها سامه مردان و خوش آب و رنگ زنانه‌شان به تماشا نشسته و با کلمات و اصطلاحات نمکینشان در بین خطوط کتاب، با انقلاب که انس و الفتشان با کتاب بر کسی پوشیده نیست لذت‌بخش می‌کند. مهم‌ترین نکته، روایت فرهنگ اصیل مردم افغانستان در دل ماجرای زندگی پرچالش یک خانواده مهاجر است. فرهنگی که بویش را از مطبخ‌خانه یک خانواده اصیل افغان و غذاهایش می‌توان حس کرد، در لباس‌ها سامه مردان و خوش آب و رنگ زنانه‌شان به تماشا نشسته

چند سطر کتاب
از نامه‌های قوماندان

ساعت ۱۲ شب است. بازی تیم ایران و بحرین را همین الان از رادیو گوش می‌کنم. ایران یک بر سه از بحرین عقب مانده که این باعث اختلال حواس من شده است. امروز تازه از منطقه جلو برگشتیم. اندک خستگی در تن و خواب در چشم احساس می‌کنم و از طرف دیگر دلم نمی‌آید قلم را از دست بگذارم؛ چون که برای عزیز‌ترین کسم نامه می‌نویسم. پس‌ای دست‌های خسته، لطفاً کمکم کنید تا بتوانم چند سطری را سیاه کنم. دلبر اگر جویای احوال من باشی، تاکنون از فضل خداوند دارای صحت کامل بوده و مالی نیست که جز دوری شما و مادر و سایرین، از طرف ما خاطر جمع باشید. این طرف آرامش کامل برقرار می‌باشد. قندونکها اوقات فراغت من را در اینجا بیشتر به فکر فرت که در شما می‌گذرد. اینجا فرصت مناسبی است که آدم قدری به گذشته فکر کرده و اعمال و کردار و رفتار خود را مورد بررسی قرار دهد و من نیز این کار را می‌کنم و نتیجه روشن است؛ اینکه شما گل هستید و من خار بودم؛ ولی این قانون طبیعت است که گلی چون شما بایستی خاری همچون من را در کنار خود تحمل کند و از این قانون گریزی نخواهد بود. عزیز دلم! نمی‌دانم الان کجا و در چه حالی هستی، وضعیت خانه چطور شد؟ چشم در راه دارم که قاصدی از خانه برایم نامه‌ای بیاورد. پیرو نامه‌های قبلی این مطالب را مجدداً توصیه و تأکید می‌کنم:

۱- اگر کسی نیامد، نگران نباش. خودم یک روزی همه نامه‌هایم را برایت می‌آورم.

۲- مراز وضعیت خود، خانه، مشکلات مالی، قضیه قرض‌داری و... لطفاً آگاه کنید.

۳- سلام مخصوص مرا به مادر، بی‌بی، پدر، خواهران، رضا خان و خانواده‌های خاوری، توسلی، احمدی، حسین‌پور، سجادی، علیزاده و سایرین برسانید.

۴- تقوای الهی، نماز اول وقت، قرائت قرآن در روز، زیارت امام هشتم(ع)، صداقت گفتار، درستی کردار، نیکی به پدر و مادر، مطالعه در امور دینی، تلاش در درس، دعا برای شوهر و والدین را فراموش نکرده و همیشه مدنظر داشته باش. از اینکه مطالب پراکنده بود مرا ببخش، خواب آلودم. دست مادر را از طرف من ببوس و مواظب خودت باش. ایام شاد، جهان به‌کام و توفیق نصیب باد.

عزیز دل خود را از مکان دور و لی با قلب نزدیک. به خدا سپرده و آرزوی سلامتی و سعادت او را به خدا از خداوند خود خواستارم.

والسلام، همسرت علیرضا، ساعت ۱۲:۳۰ شب ۱۳۸۰/۷/۳۰

گفت‌وگو با نویسنده کتاب «خاتون و قوماندان» که مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفت

مأموریت روایت عبور از نقشِ انقلابی به بحران

محسن فاطمی‌نژاد| هفته گذشته بود که مریم قربان‌زاده، نویسنده کتاب «خاتون و قوماندان» از دریافت پیام مسرت‌بخش رهبر معظم انقلاب از طرف دفتر ایشان در خصوص این کتاب خبر داد. رهبر معظم انقلاب خطاب به نویسنده گفته بودند: «از خواندن کتاب خاتون و قوماندان لذت بردم. چه کار خوبی کردید که این حوادث را ثبت کردید». این عنایت آیت‌الله خامنه‌ای به نویسنده و توجهشان به این کتاب، بهانه‌ای شد تا در صحبت با نویسنده، نگاه عمیق‌تری به روایت این کتاب داشته باشیم. «خاتون و قوماندان» روایت زندگی ام‌البنین حسینی، همسر شهید علیرضا توسلی (ابوحامد) فرمانده لشکر فاطمیون است. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

■ از همان ابتدای کتاب، تصویر در هم تنیده زندگی ام‌البنین حسینی را با جنگ و مهاجرت شاهدیم. این روایت از جنگ و مهاجرت و آوارگی، اقتضای روایت راوی قصه در بیان سیر ترتیبی حوادث بود یا خودتان در مقام نویسنده به این نتیجه رسیدید که این وجه را از همان ابتدا، این طور پررنگ روایت کنید؟

برای هر نویسنده‌ای هیچ چیزی سخت‌تر از نوشتن یک شروع خوب و جذاب نیست. من در مقام نویسنده شخصاً تعهدی به سیر ترتیبی حوادث ندارم. می‌توانم بدون اینکه سیر ترتیبی حوادث را بگویم، براساس خلاقیت و تشنج و کشش سیاست دولت‌ها به سر گردانده خیلی کم جلوه می‌دهد و شاید این وجه برای خواننده کمرنگ‌تر باشد. به همین دلیل از همان ابتدا مخاطب را با این مسئله مواجه کردم تا بداند با چه کتابی روبه‌رو است و از نقطه آغاز، ذهنش را آماده این مطلب کند که این شروع یک زندگی پر از هیجان و مواجهه با دنیای ناشناخته و سرشار از مجهولات است.

مأموریت من این است که زن تراز انقلاب اسلامی را نشان دهم؛ یعنی این را برای خودم تعریف کردم و خیلی کاری به چهره‌های نظامی و عملیاتی شهید ندارم. اصل کار ما همین بود که زن تراز انقلاب اسلامی را حتی اگر از خاک دیگری باشد نشان دهیم؛ زنی که برای انجام مأموریت و جهاد خود، مرز نمی‌شناسد. خانم حسینی و هم‌نسلان و به‌خاطر تجربه سختی‌های انقلاب و جنگ، بسیار خودساخته هستند. به همین دلیل تلاش کردیم این روایت، روایت عبور از نقش آوری از بحران‌ها باشد. این زن ایرانی حالا می‌تواند در اینجا متولد شده باشد یا در جای دیگری متولد شده و در این خاک بالیده باشد، می‌تواند در هر جای دیگری با این تفکر بالیده باشد. زن تراز انقلاب اسلامی مرز نمی‌شناسد. ممکن است در عراق، آمریکا، ژاپن یا هر جای دیگری باشد، چرا که گستره تفکر انقلاب اسلامی محدود به یک مرز نیست.

■ به کارگیری ادبیات، تعابیر و اصطلاحات افغانستانی در این کتاب در حد متعادلی صورت گرفته؛ هم اصالت روی آن را گوشزد می‌کند و هم به مخاطب کارکرد نمک را دارد. اصل روایت خانم حسینی این واژه‌ها را داشت یا بعداً اضافه شدند؟

وجه تمایز زندگی یک خانواده افغانستانی با یک زندگی ایرانی -حتی اگر ۳۰ سال ساکن کشور دوست و همسایه باشند- همین‌هاست. این را، اول روایت می‌توان به مخاطب رساند؟ مدام باید در کتاب مدام از این اشعار در نامه‌هایش استفاده می‌کند. نکته مهم‌تر این است فرهنگ افغانستان به‌شدت فرهنگ پرده‌داری است، به خاطر همین است که نمی‌شود هم چیز را رو آورد و در ملاءعام و بی‌پرده صحبت کرد. خب چطور می‌شود این عشق را نشان داد؟ اگر بخواهیم نامه‌هایی کنیم، به دام «صورتی‌نویسی» و مسائل اینچنینی می‌افتیم؛ این استدلال نادرست است که این‌ها را باید بگوییم تا نسل جوان بتواند با آن‌ها ارتباط برگیرد! نسل جوان ارتباط خودش را با اثر می‌گیرد ولی با این کار، این ما هستیم که داریم در این میانه، ادبیات شرقی را خراب می‌کنیم. کارهای زندگی شهدا، فقط یک تاریخ شفاهی متعهد به انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت نیست، بلکه فراتر از آن درباره یک فرهنگ است که باید حفظ شود. این نامه‌ها خیلی کمک کرد این فضا را داشته باشیم و خودساختگی و اصالت‌ها حفظ شود. این

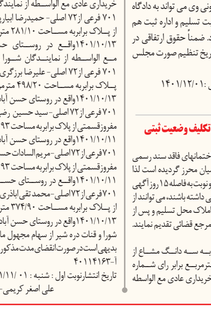

یک انسان شرقی باشد و از عشق خالی و برملایی باشد یعنی دست‌پخت دین که برای انسان شرقی به لحاظ اسطوره‌ای و تاریخی، همیشه حیا و پرده‌داری بوده است. شهید توسلی آدم بسیار عاطفی است و ارتباطاتش با فرزندان و خانواده و همسرش کاملاً این را نشان می‌دهد. مرد جنگ است ولی آدم بسیار لطیف است؛ لطیفی می‌خواند، شعرهایش را حفظ می‌کند و خودش دارد و حرف زدن‌ها و تکیه‌کلام‌هایش همه‌وهمه نشان می‌دهد چقدر به حفظ این فرهنگ پایبند است. متأسفانه اکنون نسل جوان مهاجر دارند ایرانی می‌شوند نظرم از حیث هویتی برایشان خطرساز خواهد شد؛ مسئله‌ای که هیچ فارسی‌گویی نمی‌خواهد اتفاق بیفتد.

■ از نکات قابل توجه کتاب، آوردن خاطره‌های دفترچه خاطرات و نامه‌های رد و بدل شده بین خانم حسینی و شهید توسلی است. این خاطرات همان طور که از تاریخ و ادبیاتش مشخص است، بیشتر برکننده خلأها و دلتنگی‌های این دو است. چطور به این نتیجه رسیدید که آن‌ها را این‌گونه در خلال روایت بیاورید؟

فرهنگ شرقی همچنان که سرشار از عشق و محبت و دلدادگی است، فرهنگی بسیار مأخوذ به حیا و سربه زیر و پاک است. نمی‌شود کتابی درباره

خودش دارد و حرف زدن‌ها و تکیه‌کلام‌هایش همه‌وهمه نشان می‌دهد چقدر به حفظ این فرهنگ پایبند است. متأسفانه اکنون نسل جوان مهاجر دارند ایرانی می‌شوند نظرم از حیث هویتی برایشان خطرساز خواهد شد؛ مسئله‌ای که هیچ فارسی‌گویی نمی‌خواهد اتفاق بیفتد.

■ از نکات قابل توجه کتاب، آوردن خاطره‌های دفترچه خاطرات و نامه‌های رد و بدل شده بین خانم حسینی و شهید توسلی است. این خاطرات همان‌طور که از تاریخ و ادبیاتش مشخص است، بیشتر برکننده خلأها و دلتنگی‌های این دو است. چطور به این نتیجه رسیدید که آن‌ها را این‌گونه در خلال روایت بیاورید؟

فرهنگ شرقی همچنان که سرشار از عشق و محبت و دلدادگی است، فرهنگی بسیار مأخوذ به حیا و سربه زیر و پاک است. نمی‌شود کتابی درباره یک انسان شرقی باشد و از عشق خالی و برملایی باشد یعنی دست‌پخت دین که برای انسان شرقی به لحاظ اسطوره‌ای و تاریخی، همیشه حیا و پرده‌داری بوده است. شهید توسلی آدم بسیار عاطفی است و ارتباطاتش با فرزندان و خانواده و همسرش کاملاً این را نشان می‌دهد. مرد جنگ است ولی آدم بسیار لطیفی است؛ لطیفی می‌خواند، شعرهایش را حفظ می‌کند و خودش دارد و حرف زدن‌ها و تکیه‌کلام‌هایش همه‌وهمه نشان می‌دهد چقدر به حفظ این فرهنگ پایبند است. متأسفانه اکنون نسل جوان مهاجر دارند ایرانی می‌شوند نظرم از حیث هویتی برایشان خطرساز خواهد شد؛ مسئله‌ای که هیچ فارسی‌گویی نمی‌خواهد اتفاق بیفتد.

■ تصویر همدلی برانگیزی که از شخصیت خاتون-قائم به خودش و نه وابسته همسر شهیدش- به من مخاطب داده این است که ما از یک زن انقلابی در ذهن داریم، نظر شما در این خصوص چیست؟

اصلاً مأموریت من همین است که زن تراز انقلاب اسلامی را نشان دهم، یعنی این را برای خودم تعریف کردم و خیلی کاری به وجه‌های نظامی و عملیاتی شهید ندارم. شهید در این نوع کتاب‌ها (تاریخ شفاهی زنان قهرمان) حضور دارد که به پیشبرد روایت کمک کند. اصل کار ما همین می‌توانید، به‌گونه‌ای که زن تراز انقلاب اسلامی را حتی اگر از خاک دیگری باشد نشان دهیم؛ زنی که برای انجام مأموریت و جهاد خود، مرز نمی‌شناسد. خانم حسینی و هم‌نسلان و به‌خاطر تجربه سختی‌های انقلاب و جنگ، بسیار خودساخته هستند. به همین دلیل تلاش کردیم این روایت، روایت عبور از نقش آوری از بحران‌ها باشد. این زن ایرانی حالا می‌تواند در اینجا متولد شده باشد یا در جای دیگری متولد شده و در این خاک بالیده باشد، می‌تواند در هر جای دیگری با این تفکر بالیده باشد. زن تراز انقلاب اسلامی مرز نمی‌شناسد. ممکن است در عراق، آمریکا، ژاپن یا هر جای دیگری باشد، چرا که گستره تفکر انقلاب اسلامی محدود به یک مرز نیست.

برترین جهاد مبارزه با هوای نفس و بازگرفتن آن از لذت‌های دنیاست.

فضل الجهاد جهاد النفس عن الهوی و قطاعها عن لذات الدنیا

اقرب الناس من رحمة ربه النبوة و اهل العلم و الجهاد

نزدیک‌ترین مردم به مقام نبوت اهل جهاد و اهل دانش‌اند.

روزنامه جوان انقلاب

روزنامه جوان انقلاب

۳ ۲ ۱ قدس

۳ ۲ ۱ قدس

آگهی تأخیر تعیین شهری و حاشیه‌ای اقامه سند رسمی نوشهر
به شماره ۹۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۰ هیات موضوع ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر تقاضای اقامه سند رسمی ۱۳۹۰۹۲۰ مالکیتی به نام آقای محمد علی قاضی مذکور مبنی بر داشتن سهم مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض اش از ۱۰ دانگ مشاع از ۶ دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع واقع در قریه عربز آباد بالا ۳۰ اصلی بخش ۵ شالکایی ۴۹۹ فرعی از اصلی ۱۵، خانه